

بررسی نقش واسطه‌ای تنظیم شناختی هیجان در رابطه‌ی میان والدگری و سازگاری تحصیلی در دانشجویان

فاطمه سامانی^{۱*}، مسعود حسین چاری^۲

چکیده

هدف از این مطالعه تعیین نقش واسطه‌گری تنظیم شناختی هیجان در رابطه‌ی بین والدگری و سازگاری تحصیلی در دانشجویان بود. بدین منظور یک گروه ۴۰۰ نفری از دانشجویان دانشگاه شیراز (شامل ۲۳۳ دختر و ۱۶۷ پسر) به شیوه‌ی خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از سه مقیاس پرسشنامه‌ی تنظیم شناختی هیجان، پرسشنامه‌ی سبک والدگری آلاباما و پرسشنامه‌ی سازگاری تحصیلی دانشجویان استفاده گردید. به‌منظور تحلیل داده‌ها، از روش آماری رگرسیون چندگانه، با بکارگیری روش مراحل بارون و کنی (۱۹۸۶) استفاده شد. نتایج این تحلیل حاکی از تایید نقش واسطه‌گری تنظیم شناختی هیجان بود. نتایج این مطالعه نشان داد که والدگری کارآمد موجب افزایش استفاده از استراتژی‌های مثبت تنظیم شناختی هیجان جهت سازگاری تحصیلی در دانشجویان می‌شود و استراتژی‌های مثبت تنظیم شناختی هیجان در بین سبک‌های والدگری و سازگاری تحصیلی نقش واسطه‌ای ایفا می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: والدگری، تنظیم شناختی هیجان، سازگاری تحصیلی

^۱- کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز

^۲- استادیار بخش روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز

*- نویسنده‌ی مسئول مقاله: samanif66@yahoo.com

مقدمه

شاید بتوان سلامت روان را اساسی‌ترین مفهوم در علوم روان‌شناختی به شمار آورد. سلامت روان را قابلیت ارتباط موزون و هماهنگ با دیگران، تغییر و اصلاح محیط فردی و اجتماعی و حل تضادها و تمایلات شخصی به‌گونه منطقی، عادلانه و مناسب تعریف نموده‌اند (هنرپروران، ۱۳۸۶). سلامت روان وابسته به عوامل متعددی است. این عوامل را می‌توان به دو دسته‌ی کلی عوامل محیطی^۱ و عوامل فردی^۲ تقسیم نمود. بنابر نظر بسیاری از محققان، خانواده از مهمترین عوامل موثر محیطی (سامانی، ۱۳۸۱) و مهارت تنظیم شناختی هیجان موثرترین عامل فردی (گارفنفسکی و کرایچ، ۲۰۰۶) در سلامت روان به شمار می‌آید. در متون روانشناسی، اغلب اصطلاح سلامت روان در فرد را به وسیله‌ی شاخص‌هایی متفاوت مورد مطالعه و ارزیابی قرار می‌دهند، از جمله مفاهیم و اصطلاحات مرتبط و از شاخص‌های سلامت روان، سازگاری^۳ می‌باشد. سازگاری جریانی است که در آن فرد برای وفق دادن خود با فشارهای درونی و ملزومات بیرونی تلاش و کوشش به خرج می‌دهد (رد-ویکتور^۴، ۲۰۰۳). در واقع یک فرد زمانی از سازگاری بهره‌مند است که بتواند میان خود و محیط اجتماعی‌اش رابطه‌ای سالم برقرار کند. در مقابل، محیط اجتماعی نیز دربرگیرنده‌ی خانواده، محل تحصیل، محیط کسب و کار و نظایر آن می‌باشد و اگر فردی نتواند با محیط خود به شیوه‌ای مطلوب رابطه برقرار کند، ناسازگار قلمداد می‌شود. علاوه بر این، سازگاری دارای عرصه‌های گوناگونی نیز هست. یکی از مهمترین عرصه‌ها در زمینه‌ی سازگاری مفهوم سازگاری تحصیلی می‌باشد. سازگاری تحصیلی به مقدار انطباق فرد با شرایط، محیط، انتظارات، درخواست‌ها و ساختارهای اجتماعی حاکم بر محیط آموزشگاه اشاره دارد. همان‌گونه که ذکر شد یکی از مهمترین عوامل محیطی تاثیر گذار سازگاری تحصیلی به عنوان شاخص سلامت روان، خانواده می‌باشد. خانواده به واسطه‌ی دامنه‌ی تعاملات و کنش‌های گسترده‌ی خود به شدت عملکردهای روان-شناختی فرد را از خود متاثر می‌سازد. (عیسی، ساساگوا و فرایک^۵، ۲۰۰۶). در حوزه‌ی خانواده یکی از مهمترین مباحث در حوزه‌ی خانواده، والدگری^۶ است (دارلینگ و استنبرگ^۷، ۱۹۹۳). به اعتقاد دارلینگ و استنبرگ (۱۹۹۳) منظور از شیوه‌های والدگری، روش‌هایی است که والدین برای

¹- Environmental factors

²- Personal

³- Garnefski, N. Kraaij, V

⁴- Adjustment

⁵- Reed-victor

⁶- Essau. Sasagawa & Frick

⁷- Parenting

⁸- Darling & Steinberg

تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند و بیانگر نگرش‌هایی است که آنها نسبت به فرزندان خود دارند و هم‌چنین شامل معیارها و قوانینی است که برای فرزندان خویش وضع می‌کنند. تعامل میان والدین و فرزندان با روش والدگری آنان در ارتباط است. خانواده نخستین مدرسه و محور اصلی تربیت انسان است، فرزندان درس‌های اصلی و اساسی خود را از خانواده می‌گیرد، هر سازندگی یا اشتباهی که در آن واقع گردد، مستقیماً در فرزندان اثر می‌گذارد. لذا خانواده در جهت دادن افراد به سوی انسانیت و پرورش و تکوین شخصیت آنان می‌تواند نقش فوق‌العاده‌ای ایفا نماید و خطوط اصلی و اساسی رفتار آنان را پدید آورد. بعلاوه ارتباطات خانوادگی سالم و با ثبات از شرایط لازم و ضروری برای رشد و تکامل موفقیت آمیز استقلال و سازگاری نوجوانان است (هنریکسون و راکر^۱، ۲۰۰۰). مطالعات بیان می‌دارند که نبودن والدگری موثر، برای رفتارهای ناسازگارانه‌ی نوجوانان یک پیش‌بینی کننده‌ی قوی بشمار می‌رود (گارفنسکی و کرایچ، ۲۰۰۶). علاوه بر این کاملاراج^۲ (۲۰۰۸) نیز در پژوهش خود ابراز می‌دارد که میان سبک والدگری و سازگاری دانش‌آموزان دبیرستانی ارتباط معناداری وجود دارد و دانش‌آموزانی که از والدگری ضعیفی برخوردارند در مقایسه با دانش‌آموزانی که از والدگری مثبت‌تری برخوردارند سازگاری تحصیلی کمتری دارند. در واقع پژوهش‌های بسیاری نشان داده‌اند که رفتارهای موثری مثل صمیمی و پذیرا بودن و کنترل مناسب والدین بر فرزندان، با کفایت شناختی و رفتاری در کودکان در ارتباط هستند (هیل^۳، ۲۰۰۱). با توجه به مجموعه مطالب ارائه شده، آنچه در بررسی نحوه‌ی تاثیرگذاری رفتارها و سبک‌های والدین بر سازگاری قابل تأمل و پژوهش است، نقش متغیرهای واسطه در متاثر کردن نوع ارتباط متغیرهای والدگری و سازگاری می‌باشد. بروز تغییر و تحولات روانی و شناختی در جریان فرایند رشد، به گونه معنی‌داری نحوه‌ی سازگاری فرد را با خود و محیط پیرامون دستخوش تحول می‌سازد. هیجان و نحوه‌ی تنظیم هیجانان در افراد نیز به عنوان یکی از پدیده‌های تحولی تاثیر زیادی بر نحوه‌ی سازگاری افراد دارد. تنظیم هیجان به استراتژی‌هایی اشاره دارد که در جهت کاهش^۴، ادامه^۵ یا افزایش^۶ هیجان استفاده می‌شود (گروس^۷، ۲۰۰۷). افراد به هنگام تجربه‌ی رخدادهای تهدید کننده یا تنش‌زای زندگی، قبل از انجام هر کاری، به لحاظ شناختی از

1- Henricson. C & Rocker. D

2- Kamla-Raj

3- Hill

4- Reduce

5- Maintain

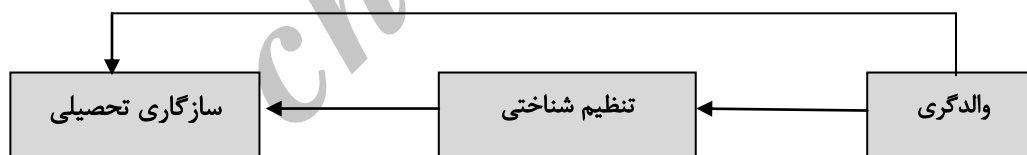
6- Increase

7- Gross

راهبردهایی برای تنظیم هیجانات خود استفاده می‌کنند (گارنفسکی، کرایج، اسپین هاون^۱ ۲۰۰۱)، این راهبردها، راهبردهای تنظیم شناختی هیجان نامیده می‌شوند که به عنوان یکی از عوامل فردی تاثیرگذار بر سازگاری تحصیلی قلمداد می‌شوند به عبارتی دیگر، یکی از عواملی که می‌تواند در زمینه‌ی سازگاری تحصیلی و کاهش تنش‌ها و برخورد مناسب با مسائل تحصیلی محصلان را یاری دهد، مساله‌ی تنظیم شناختی هیجان و استراتژی‌های گوناگون آن است. در مطالعه‌ی در زمینه‌ی نقش تنظیم هیجان در موفقیت تحصیلی دانش آموزان، گرازیانو، ریوز، کین، کالکینز^۲ (۲۰۰۷) مطرح می‌نمایند که تنظیم هیجان با موفقیت تحصیلی دانش آموزان در ارتباط است. گارنفسکی، کوپمن، کرایج، تن کیت^۳ (۲۰۰۹) نیز در مطالعه‌ی نشان دادند استراتژی‌های تنظیم شناختی منفی هیجان، مهمترین پیش‌بینی کننده‌ی ناسازگاری‌های روانشناختی در نوجوانان است. بعلاوه بسیاری از پژوهش‌ها بر تاثیر رفتارها و سبک‌های تربیتی والدین بر تنظیم هیجانات فرزندان حکایت دارند. نتایج پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی تنظیم هیجان نشان می‌دهد تنظیم هیجان از راه وضعیت هیجانی خانواده و از راه سبک‌های والدگری، روابط نزدیک میان اعضاء و نحوه‌ی معنابخشی به تجارب در خانواده و روابط زناشویی، تحت تاثیر قرار می‌گیرید (موریس، سیلک، استینبرگ، سیسا، آون ولی، ایسکس^۴ ۲۰۰۲، گلدسمیت و داویدسون^۵ ۲۰۰۴).

هدف

هدف از این پژوهش بررسی نقش واسطه‌ای تنظیم شناختی هیجان در رابطه‌ی میان والدگری و سازگاری تحصیلی بود که در ادامه شکل ۱-۱ مدل مفروض این پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۱-۱ مدل مفهومی متغیرهای این پژوهش

بدین ترتیب، آن‌گونه که در شکل ۱-۱ نشان داده شده است، متغیر وابسته در این پژوهش سازگاری تحصیلی است و والدگری به منزله‌ی متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. علاوه بر این،

1- Garnefski, Kraaij, Spinhoven

2- Graziano, Reavis, Kean, Calkins

3- Garnefski, Koopman, Kraaij, Tencate

4- Moriss, Silk, Steinberg, Avenveolis, Essex

5- Goldsmith & Davidson

متغیر تنظیم شناختی هیجان نیز به عنوان متغیر میانجی (واسطه) در مدل وارد شده است.

روش

جامعه‌ی آماری پژوهش را همه‌ی دانشجویان دختر و پسر مقطع کارشناسی سال اول^۱ رشته‌های گوناگون تحصیلی دانشگاه شیراز تشکیل می‌دهند. حجم نمونه با توجه به جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) انتخاب شد به‌گونه‌ی که یک گروه ۴۰۰ نفری از دانشجویان دانشگاه شیراز (شامل ۲۳۳ دختر و ۱۶۷ پسر) به شیوه‌ی خوشه‌ای تصادفی انتخاب شد. بدین ترتیب ابتدا از میان دانشکده‌های دانشگاه شیراز، پنج دانشکده به‌صورت تصادفی انتخاب و بعد از هر دانشکده دو کلاس انتخاب شدند سپس تمامی دانشجویان کلاس‌های انتخاب شده، مورد ارزیابی قرار گرفتند. لازم به ذکر است که میانگین سنی آزمودنی‌ها ۲۰/۵ می‌باشد. برای گردآوری داده‌ها از سه مقیاس پرسشنامه‌ی تنظیم شناختی هیجان، پرسشنامه‌ی سبک والدگری آلاباما و پرسشنامه‌ی سازگاری تحصیلی دانشجویان استفاده گردید و جهت تحلیل داده‌های گردآوری شده، از روش آماری رگرسیون چندگانه، با بکارگیری روش مراحل بارون و کنی^۲ (۱۹۸۶) استفاده شد.

ابزار

با توجه به متغیرهای مورد بحث در این مطالعه از سه مقیاس زیر استفاده گردید:

مقیاس تنظیم شناختی هیجان: این پرسشنامه به‌وسیله گارنفسکی، کرایچ و اسپین هاون (۲۰۰۱) تهیه شده است و در برگیرنده‌ی نه راهبرد تنظیم شناختی هیجان می‌باشد و در یک طیف پنج درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. این پرسشنامه در ایران به‌وسیله سامانی و صادقی (۱۳۸۹) اعتبار یابی شده است که مقدار روایی و پایایی آن از مقدار مطلوب برخوردار بوده و دو عامل کلی به نام‌های استراتژی‌های شناختی مثبت در تنظیم هیجان (ارزیابی مجدد مثبت و تمرکز مجدد مثبت/ برنامه‌ریزی) و استراتژی‌های شناختی منفی (مقصر دانستن دیگران، مقصر دانستن خود، نشخوار فکری، فاجعه آمیز کردن و پذیرش در تنظیم هیجان) حاصل گردیده است. در این پژوهش نیز اعتبار پرسشنامه به شیوه‌ی آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حکایت از کفایت نمونه‌گیری این ابزار داشت.

مقیاس والدگری آلاباما: به‌منظور سنجش رفتارهای والدگری، از پرسشنامه‌ی والدگری آلاباما استفاده شد. پرسشنامه‌ی والدگری آلاباما به‌وسیله فرایک^۳ در سال ۱۹۹۱ تهیه شده است. این مقیاس دارای سه فرم گوناگون والدین، فرزند و مصاحبه‌ی تلفنی با فرزند می‌باشد. فرم فرزندان آن

^۱ - تصور می‌شود که دانشجویان سال اول بیشتر تحت تاثیر والدین خود هستند و کمتر تحت تاثیر عوامل محیطی دیگر باشند

^۲ - Baron, R. M., & Kenny

^۳ - Frick, P. J

به‌وسیله سامانی، خیر، صداقت و امیدی (۱۳۸۹) برای استفاده در ایران ترجمه، انطباق فرهنگی و از نظر شاخص‌های روان‌سنجی بررسی شده است. نتایج تحلیل عامل در مطالعه‌ی سامانی و همکاران (۱۳۸۹) حاکی از وجود شش عامل (به ترتیب والدگری مثبت، مشارکت پدر، تنبیه بدنی، اعمال اقتدار، نظارت ضعیف و آگاهی از یکدیگر) بود. پایایی عوامل موجود در این پرسشنامه به شیوه‌ی باز آزمایی با فاصله‌ی زمانی یک هفته در دامنه‌ی ۰/۶۸ تا ۰/۸۹ قرار داشته است و ضریب آلفا در دامنه‌ی ۰/۷۱ تا ۰/۹۳ قرار داشت. هم‌چنین نسبت KMO برای این تحلیل برابر با ۰/۸۶ و مقدار آزمون کروییت بارتلت برابر با ۱۰۶۲۴/۱ بود که در سطح ۰/۰۰۰۱ معنادار بود. ویژگی‌های روان-سنجی فرم فرزندان به‌وسیله سامانی و همکاران (۱۳۸۹) بر روی یک گروه ۷۷۳ نفره از دانش-آموزان دختر و پسر نیز بررسی شده است که نتایج این پژوهش نشانگر کفایت روان‌سنجی این پرسشنامه برای استفاده در ایران بود. بر طبق گزارش این پژوهش‌گران در تحلیل عامل مرتبه‌ی دوم، پرسشنامه‌ی والدگری آلاباما دو عامل به قرار والدگری کارآمد (شامل والدگری مثبت، مشارکت پدر و مطلع بودن از یکدیگر) و والدگری ناکارآمد (شامل اقتدار، نظارت ضعیف و تنبیه بدنی) حاصل شده است. در این مطالعه از نسخه‌ی تجدید نظر شده به‌وسیله سامانی و همکاران (۱۳۸۹) استفاده شد و این دو عامل کلی در تحلیل‌ها وارد شدند. در این پژوهش نیز به بررسی پایایی آن از راه آلفای کرونباخ پرداخته شد.

مقیاس سازگاری تحصیلی: پرسشنامه‌ی سازگاری تحصیلی، به‌وسیله بیکر و سایریک در سال ۱۹۸۴، طراحی شده است. این پرسشنامه دارای ۶۲ گویه و در برگزیده‌ی ۴ زیرمقیاس، سازگاری تحصیلی (۲۴ گویه)، سازگاری اجتماعی^۱ (۲۰ گویه)، سازگاری هیجانی-شخصی^۲ (۱۵ گویه) و هدف دلبستگی تعهد-سازمانی^۳ می‌باشد که در یک طیف نه درجه‌ای لیکرت (از کاملاً متفاوت از من تا کاملاً شبیه به من) نمره‌گذاری می‌شود. طبق گزارش مولفان ضریب آلفای کرونباخ برای سازگاری تحصیلی ۰/۸۱ تا ۰/۹۰، سازگاری اجتماعی ۰/۸۳ تا ۰/۹۱، سازگاری هیجانی-شخصی ۰/۷۷ تا ۰/۸۶ و برای هدف تعهد-التزام دلبستگی ۰/۸۵ تا ۰/۹۱ و برای کل مقیاس ۰/۹۲ تا ۰/۹۵ می‌باشد. بررسی روایی نیز نشان داده است که پرسشنامه‌ی سازگاری تحصیلی با عملکرد تحصیلی و نیز میانگین آزمون پیشرفت تحصیلی، همبستگی معناداری نشان داده است. در این پژوهش از گویه‌های مربوط به سازگاری تحصیلی (شامل ۱۰ گویه) استفاده شد. روایی سازه‌ی پرسشنامه‌ی سازگاری تحصیلی با روش تحلیل عاملی بررسی شد. شاخص KMO برای ماتریس همبستگی گویه‌ها برابر با ۰/۷۷ بود و مقدار x^2 در آزمون کروییت بارتلت برابر ۶۶۳۷/۹۳ و در سطح ۰/۰۰۱

¹- Social Adjustment

²- Personal- Emotional Adjustment

³- Goal Commitment-Institutional Attachment

معنی‌دار بود که هر دوی این شاخص‌های اولیه، حاکی از کفایت نمونه‌گیری برای انجام تحلیل عاملی داشت. با توجه به نمودار سنگریزه‌ای (اسکری)، ارزش ویژه و درصد واریانس قابل تبیین عوامل، تعداد ۴ عامل استخراج شد. عوامل استخراج شده بر اساس محتوای گویه‌هایی که در هر عامل جای می‌گیرند، نام‌گذاری شدند. برای این عوامل به ترتیب، عناوین سازگاری شخصی-هیجانی^۱، سازگاری اجتماعی^۲، سازگاری تحصیلی و دلبستگی^۳ در نظر گرفته شد. در نهایت به محاسبه‌ی ضریب آلفای کرانباخ برای عوامل این پرسشنامه اقدام شد که در جدول ۱-۱ تعداد گویه‌های هر عامل، مقدار ارزش ویژه، درصد واریانس تبیین شده و نیز ضریب پایایی هر عامل با روش آلفای کرانباخ ارائه شده است.

جدول ۱-۱ مقدار ارزش ویژه و درصد واریانس تبیین شده به‌وسیله‌ی گویه‌های پرسشنامه‌ی

سازگاری تحصیلی

عامل	نام عامل	تعداد گویه	ارزش ویژه	درصد واریانس	ضریب پایایی
۱	سازگاری اجتماعی	۱۱	۴/۵۵	۶/۷۹	۰/۷۱
۲	سازگاری هیجانی- شخصی	۱۸	۱۲/۵۹	۱۷/۷۸	۰/۸۳
۳	سازگاری تحصیلی	۱۰	۲/۹۸	۴/۴۷	۰/۵۰
۴	دلبستگی	۳	۲/۴۷	۳/۷۰	۰/۵۲
۵	سازگاری تحصیلی کل	۴۲			۰/۸۵

یافته‌ها

در اولین گام به‌منظور بررسی این فرضیه‌ی پژوهش که سبک‌های والدگری تاثیر معناداری بر سازگاری تحصیلی دارد، از رگرسیون چند گانه استفاده گردید. در این تحلیل، سبک‌های والدگری (کارآمد و ناکارآمد) به عنوان متغیر پیش‌بین و سازگاری تحصیلی به عنوان متغیر ملاک وارد معادله‌ی رگرسیونی شدند. خلاصه نتایج این تحلیل در جدول ۱-۲ ارائه شده است.

جدول ۱-۲- پیش‌بینی سازگاری تحصیلی بر اساس سبک‌های والدگری

ملاک	پیش‌بین	β	t	P<	F	Df	R^2	P<
سازگاری تحصیلی	کارآمد	۰/۱۸	۳	۰/۰۰۳	۸۶/۱۷	۲,۲۴۷	۰/۰۶	۰/۰۰۰۱
	ناکارآمد	-۰/۰۹	-۱/۵	۰/۱۲				

¹ - Personal-Emotional adjustment

² - Social adjustment

³ - Attachment

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، نتایج حاکی از این است که از میان سبک‌های والدگری، تنها سبک والدگری کارآمد به صورت مثبت و مستقیم سازگاری تحصیلی را پیش بینی می‌کند. در مقابل سبک والدگری ناکارآمد به صورت مستقیم سازگاری تحصیلی را پیش بینی نمی‌کند.

در دومین گام از تحلیل‌های آماری بر اساس روش بارون و کنی، به منظور بررسی نقش واسطه‌گری تنظیم شناختی هیجان در رابطه‌ی بین سبک‌های والدگری و سازگاری تحصیلی ابتدا در مرحله‌ی اول سبک‌های والدگری کارآمد و ناکارآمد به عنوان متغیر پیش بین و متغیر سازگاری تحصیلی به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شد و سپس در مرحله‌ی دوم رگرسیون، دو متغیر استراتژی‌های مثبت و منفی تنظیم شناختی هیجان نیز به عنوان متغیر پیش‌بین وارد رگرسیون گردید. خلاصه نتایج این تحلیل در جدول ۳-۱ ارائه شده است.

جدول ۳-۱: خلاصه نتایج تحلیل واسطه‌گری راهبردهای تنظیم شناختی هیجان

مرحله	متغیر	β	T	P<	F	df	R^2	P<
۱	کارآمد	۰/۲۳	۳/۰۸	۰/۰۰۲	۷/۰۲	۲/۱۶۶	۰/۰۸	۰/۰۰۱
	ناکارآمد	-۰/۱۵	۲/۰۴	۰/۰۴۳				
۲	کارآمد	۰/۱۹	۲/۵۲	۰/۰۱۳	۷/۳۹	۴/۱۶۴	۰/۱۵	۰/۰۰۱
	ناکارآمد	-۰/۱۶	۲/۲۲	۰/۰۲۸				
	مثبت	۰/۲۸	۲/۷۲	۰/۰۰۷				
	منفی	-۰/۳۸	۳/۸۰	۰/۰۰۱				

نتایج مندرج در جدول ۳-۱ نشان می‌دهد که ابتدا در مرحله‌ی اول رگرسیون از میان ابعاد سبک‌های والدگری، بعد والدگری کارآمد به صورت مثبت و معنی‌داری سازگاری تحصیلی را پیش-بینی می‌نماید ($\beta = 0/23, p = 0/002$) و سپس در مرحله‌ی دوم رگرسیون در بعد والدگری شاهد کاهش مقدار بتا هستیم ($\beta = 0/19, p = 0/013$)

که این موضوع حاکی از این امر می‌باشد که متغیر تنظیم شناختی نقش واسطه‌گری بین سبک والدگری کارآمد و سازگاری تحصیلی ایفا می‌کند.

در سومین گام به منظور روشن شدن این فرضیه‌ی پژوهش که سبک‌های والدگری تأثیر معناداری بر تنظیم شناختی هیجان دارد (هم‌چنین جهت تشخیص اینکه کدام یک از ابعاد تنظیم شناختی هیجان در بین سبک‌های والدگری و سازگاری تحصیلی نقش واسطه‌ای ایفا می‌کنند) از رگرسیون چند گانه استفاده گردید. با توجه به اینکه برای متغیر تنظیم شناختی هیجان، یک نمره-ی واحد محاسبه نمی‌شود و دو مولفه‌ی جداگانه (شامل تنظیم مثبت و منفی) در این باره وجود دارند؛ بنابراین در دو تحلیل جداگانه هر کدام از این مولفه‌ها به عنوان متغیر ملاک وارد معادله شدند. در اولین تحلیل سبک‌های والدگری به عنوان متغیر پیش‌بین و استراتژی‌های تنظیم

شناختی مثبت هیجان به عنوان متغیر ملاک وارد معادله‌ی رگرسیونی شدند که نتایج حاکی از تاثیر معنادار سبک والدگری کارآمد بر تنظیم شناختی مثبت هیجان داشت. خلاصه نتایج این تحلیل در جدول ۴-۱ ارائه شده است.

جدول ۴-۱ پیش‌بینی تنظیم شناختی مثبت هیجان بر اساس سبک‌های والدگری

ملاک	پیش بین	β	t	P<	F	df	R^2	P<
تنظیم شناختی مثبت	کارآمد	۰/۲۴	۳/۴۵	۰/۰۰۱	۶/۰۱	۲/۱۹۶	/۰۶	۰/۰۰۳
	ناکارآمد	۰/۰۵	۰/۷۲	۰/۴۸				

همان‌گونه که از مندرجات جدول ۴-۱ بر می‌آید، از ابعاد متغیر سبک‌های والدگری، سبک والدگری کارآمد به صورت مثبت و معنی‌دار تنظیم شناختی هیجان مثبت را پیش‌بینی می‌کند ($\beta = 0/24, P = 0/001$)، اما بعد سبک والدگری ناکارآمد از قدرت پیش‌بینی معنی‌دار برای تنظیم شناختی مثبت برخوردار نبود ($\beta = 0/05, N.S$).

در دومین تحلیل از این مرحله، بعد یا مولفه‌ی تنظیم شناختی منفی هیجان به عنوان متغیر ملاک و دو بعد متغیر والدگری شامل والدگری کارآمد و والدگری ناکارآمد به عنوان متغیر پیش‌بین وارد معادله‌ی رگرسیونی شدند. نتایج این تحلیل در جدول ۵-۱ ارائه شده است.

جدول ۵-۱ پیش‌بینی تنظیم شناختی منفی هیجان بر اساس سبک‌های والدگری

ملاک	پیش بین	β	t	P<	F	df	R^2	P<
تنظیم شناختی منفی	کارآمد	۰/۰۷	۰/۹۹	۰/۳۳	۰/۷۳	۲/۲۰۸	۰/۰۱	۰/۴۸
	ناکارآمد	۰/۰۵	۰/۷۵	۰/۴۵				

همان‌گونه که از مندرجات جدول ۵-۱ بر می‌آید، نتایج این تحلیل نشان داد که نه سبک والدگری کارآمد ($\beta = 0/07, N.S$) و نه سبک والدگری ناکارآمد ($\beta = 0/05, N.S$) پیش‌بینی کننده‌ی معنی‌داری برای تنظیم شناختی منفی هیجان نیستند.

با توجه به نتایج به دست آمده از جداول ۳-۱ و ۴-۱ و تعیین نقش واسطه‌ای تنظیم شناختی مثبت هیجان در رابطه‌ی میان والدگری و سازگاری تحصیلی، در ادامه برای تعیین حجم اثر مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای برون زاد و واسطه لازم بود تا تاثیر سبک‌های والدگری بر ابعاد تنظیم شناختی هیجان و سازگاری تحصیلی بررسی گردد.

اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای پیش‌بین و واسطه

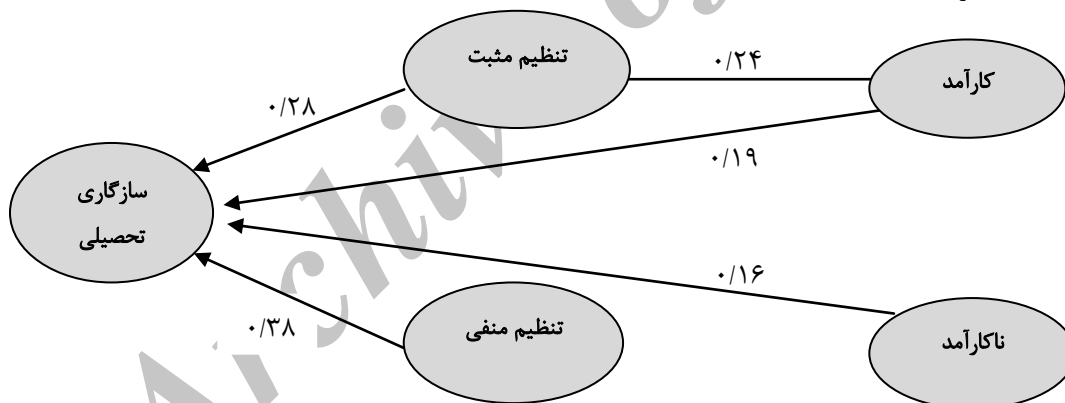
جدول ۶-۱ نشانگر اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای پیش‌بین و واسطه می‌باشد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود سبک والدگری کارآمد به صورت مستقیم به مقدار ۰/۱۹ متغیر سازگاری تحصیلی را پیش‌بینی می‌کند که این اثر پس از وارد شدن متغیر واسطه‌ای تنظیم شناختی هیجان مثبت به مقدار ۰/۰۷ گزارش شده که نشانگر اثر غیر مستقیم متغیر والدگری بر سازگاری تحصیلی

با واسطه‌گری تنظیم شناختی هیجان مثبت می‌باشد. لازم به ذکر است که اثر غیرمستقیم، از حاصل ضرب اثر مستقیم سبک والدگری کارآمد بر تنظیم شناختی مثبت هیجان ($0/24$)، در اثر مستقیم تنظیم شناختی مثبت هیجان بر سازگاری تحصیلی ($0/28$) حاصل می‌شود.

جدول ۶-۱ اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای پیش بین و واسطه

اثر غیر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر مستقیم		
$0/07$	تنظیم مثبت	$0/19$	کارآمد	پیش بین
	تنظیم منفی		ناکارآمد	
	تنظیم مثبت	$-0/16$		واسطه
	تنظیم منفی		مثبت	
		$0/28$	منفی	
		$-0/38$		

در ادامه به منظور روشن تر شدن یافته‌های پژوهش، روابط میان متغیرهای این پژوهش در شکل ۱-۲ ارائه شده است.



شکل ۱-۲ اثر سبک‌های والدگری و استراتژی‌های تنظیم شناختی هیجان بر سازگاری تحصیلی

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج اولین گام پژوهش به منظور بررسی این فرضیه‌ی پژوهش که سبک‌های والدگری، سازگاری تحصیلی را به نحو معنی‌داری پیش‌بینی می‌کنند، نشان داد که از میان سبک‌های والدگری، سبک والدگری کارآمد به صورت مثبت و مستقیم سازگاری تحصیلی را پیش‌بینی می‌کند. در مقابل سبک والدگری ناکارآمد به صورت مستقیم سازگاری تحصیلی را پیش‌بینی نمی‌کند. بدین معنا که والدگری کارآمد (مشارکت، اطلاع از یکدیگر) باعث می‌شود تا نوجوان در هنگام

مواجهه با مشکلات و مسائل تحصیل و محیط تحصیلی به‌گونه‌ای مثبت با مشکل خود روبرو شده و در نهایت بتواند به گونه‌ای مطلوب و بهینه با وقایع پیش‌رو برخورد نموده و به سازگاری برسد. این یافته با پژوهش‌های پیشین همسو است. رضوان خواه (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای تحت عنوان رابطه‌ی والدگری خود و ساختار خانواده و نگرش بر عملکرد تربیتی والدین در نوجوانان نشان می‌دهد که والدگری مناسب موجب افزایش ادراک مثبت در فرزندان بوده و این ادراک مثبت موجب بهبود وضعیت سلامت روان در فرزندان می‌گردد. بلاک^۱ (۱۹۸۵) گزارش کرد توانایی والدین در برقراری یک جو خوشایند و همراه با تعاملات سازنده در خانواده، بر سازگاری فرزندان تاثیر می‌گذارد. بعلاوه استینبرگ، لامبورن، دارلینگ، ماننس و دورنباخ^۲ (۱۹۹۴) نیز مطرح کردند والدگری کارآمد (ارتباط موثر و مثبت والدین با یکدیگر، تعامل سازنده با فرزندان و تشویق فرزندان) با سازگاری رفتاری و تحصیلی در میان نوجوانان در ارتباط است. همان‌گونه که اشاره گردید نتایج دیگر این رگرسیون نشان داد که سبک والدگری ناکارآمد به‌صورت مستقیم سازگاری تحصیلی را پیش بینی نمی‌کند که در این راستا می‌توان به پژوهش بیکر^۳ (۲۰۰۴) اشاره نماییم، وی معتقد است سازگاری تحصیلی به عنوان یک متغیر سازه ای است که می‌تواند از عوامل بسیار وسیعی تاثیر پذیرد، عواملی مثل سن و جنسیت، حمایت‌های اجتماعی و ویژگی‌های فردی.

در گام دوم تحلیل مسیر، فرضیه‌ی اصلی پژوهش یعنی تاثیر سبک‌های والدگری بر سازگاری تحصیلی با نقش واسطه‌ای تنظیم شناختی هیجان، بررسی شد. نتایج حاکی از این بود که سبک والدگری کارآمد و هم‌چنین سبک والدگری ناکارآمد به‌صورت مستقیم بر سازگاری تحصیلی تاثیر می‌گذارد. بعلاوه از میان سبک‌های والدگری، سبک والدگری کارآمد به واسطه‌ی استراتژی‌های شناختی مثبت تنظیم هیجان، پیش‌بینی کننده‌ی مثبت سازگاری تحصیلی است. اما استراتژی‌های تنظیم شناختی هیجان در رابطه‌ی بین سبک والدگری ناکارآمد و سازگاری تحصیلی نقش واسطه‌- ای ایفا نمی‌کند. با در نظر گرفتن نتایج به دست آمده در گام‌های دوم و سوم این پژوهش می‌توان گفت والدینی که در فرایند تربیت و ارتباط با فرزند خود به تبادل داده‌ها می‌پردازند و در ارتباط با مسائل فرزند خود، رویکردی مثبت و حمایت کننده انتخاب می‌کنند، با مهیا کردن شرایط مناسب برای پذیرش نیازها، احساسات و افکار فرزندان در مسائل تحصیلی، زمینه را برای استفاده از استراتژی‌های شناختی مثبت تنظیم هیجان (از قبیل تمرکز مجدد مثبت، به منظری دیگر نگریستن، برنامه ریزی، پذیرش، ارزیابی مجدد مثبت) و به دنبال آن سازگاری تحصیلی در فرد را

1- Block

2- Steinberg, L., Lamborn, S., Darling, N., Mounts, N. Y., & Dornbusch, S

3- Baker, S. R

فراهم می‌سازند. در توجیه این یافته‌ها می‌توان به نظرموریس، سیلک، استینبرگ، مایر و رابینسون^۱ (۲۰۰۷) استناد کرد که بیان می‌نمایند بافت خانواده به سه راه (شامل مشاهده، سبک والدگری و جو هیجانی حاکم بر خانواده) بر رشد و توسعه‌ی تنظیم هیجان فرزندان تأثیر می‌گذارد. آنها معتقدند فرزندان از راه مشاهده، تنظیم هیجان را می‌آموزند و هم‌چنین رفتارها و سبک والدگری بر رشد و توسعه‌ی تنظیم هیجان فرزندان اثر می‌گذارد و بعلاوه، جو هیجانی و عاطفی حاکم بر خانواده، رشد و توسعه‌ی تنظیم هیجان فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این پژوهشگران نشان دادند که سازگاری عاطفی از راه وضعیت هیجانی خانواده و از راه سبک‌های والدگری، روابط نزدیک میان اعضا و نحوه‌ی معنا بخشی به تجارب در خانواده تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در واقع کیفیت بالای ارتباط بین والد-فرزند با سطوح کمتر تعارض در ارتباط است و تعارض، یک پیش‌بینی کننده‌ی معنادار برای مشکلات رفتاری و هیجانی فرزندان بشمار می‌رود (دارلینگ و استینبرگ، ۱۹۹۳) و والدگری از راه فرایندهایی که اجتماعی کردن نامیده می‌شوند بر سازگاری فرزندان و از جمله سازگاری هیجانی تأثیر می‌گذارند، که به موجب آن فرزندان، عادات، ارزش‌ها، اهداف و دانشی که آنها را در انجام رضایت بخش وظایف و کارکردهایشان در آینده به عنوان اعضای بالغ جامعه توانا می‌سازد را به دست می‌آورند. به عبارت دیگر، والدینی که در والدگری خود کارآمد هستند، باعث توسعه و پرورش استراتژی‌های تنظیم شناختی مثبت هیجان در فرزندان می‌گردند و به واسطه‌ی استفاده و به کارگیری استراتژی‌های مثبت تنظیم شناختی هیجان، شرایط برای مقابله‌ی مناسب با مسائل تحصیلی و سازگاری بهینه با محیط دانشگاه، عملکرد مطلوب‌تر تحصیلی، شرکت در فعالیت‌های گوناگون درسی را در فرزندان ایجاد می‌کنند. تحت این شرایط هم محیط (والدگری کارآمد) و هم پتانسیل‌های فردی مناسب (تنظیم شناختی مثبت هیجان) موجب افزایش سازگاری در مسائل تحصیلی در فرزندان می‌گردد.

در راستای یافته‌ی مورد بحث در این پژوهش، بیراند^۲ (۲۰۰۸) نشان داد که به کارگیری سبک والدگری کارآمد موجب می‌گردد تا والدین استراتژی‌های مثبت تنظیم شناختی هیجان را در فرزندان خود رشد داده و به موجب آن نوجوانان در هنگام مواجهه با مسائل هیجانی از استراتژی‌های مثبت تنظیم هیجان (برنامه ریزی، ارزیابی مجدد، تمرکز مجدد مثبت) استفاده می‌نمایند. صادق‌زاده و سامانی (۱۳۹۰) نیز در مطالعه‌ای، افزایش بهینه‌ی مهارت‌ها و کنش‌های موجود در خانواده را موجب کاهش مشکلات هیجانی در فرزندان، حفظ تعادل و سازگاری خانواده می‌دانند. هم‌چنین بیراند (۲۰۰۸) در پژوهش خود تحت عنوان ارتباط میان مفهوم خود و کارکردهای

¹ - Morris, A.Silk, J. Steinberg, L., Myers, S. & Robinson, L. R

² -Ybrand, H

اجتماعی در نوجوانان نشان داد که مفهوم مثبت خود منجر به کاهش مشکلات هیجانی می‌گردد و این احساس مثبت از خود، نتیجه‌ی تجارب محیطی و بویژه تجارب خانوادگی می‌باشد. چاندولا و بهانات^۱ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای تحت عنوان نقش سبک‌های والدگری در سازگاری تحصیلی کودکان، گزارش کردند که میان سبک والدگری و سازگاری تحصیلی کودکان ارتباط معناداری وجود دارد، آنها بیان می‌دارند کودکانی که از سبک والدگری ناکارآمد برخوردار بودند، در مقایسه با کودکانی که از سبک والدگری کارآمد برخوردار بودند سازگاری کمتری را نشان دادند.

همان‌گونه که ذکر شد، نکته‌ی قابل توجه این که استراتژی‌های تنظیم شناختی هیجان در رابطه‌ی بین سبک والدگری ناکارآمد و سازگاری تحصیلی (حداقل در این پژوهش) نقش واسطه‌ای ایفا نمی‌کند. جزئی‌تر اینکه وقتی سبک والدگری ناکارآمد می‌شود، هیچ کدام از استراتژی‌های شناختی را پیش‌بینی نمی‌کند. بنابراین چنین می‌توان مطرح کرد که تنظیم شناختی منفی هیجان تبیین‌کننده‌های دیگری دارد. مثلاً موریس و همکاران (۲۰۰۲) معتقدند که از متغیرهای خانوادگی، ویژگی‌های والدین بیش از سبک‌های تربیتی آنها پیش‌بینی‌کننده‌ی تنظیم شناختی منفی هیجان است. ویژگی‌هایی مثال سازگاری و سطح سلامت روان و نظایر آن که در این پژوهش سنجیده نشده‌اند و لازم است پژوهشگران آینده چنین متغیرهایی را مد نظر قرار دهند. از سوی دیگر باید توجه داشت که آنچه در این پژوهش به منزله‌ی سبک والدگری تحلیل شده است، در واقع ادراک دانشجویان از سبک والدگری والدینشان بوده است.

¹ - Chandola, A. Bhanot, S

منابع

- سامانی، سیامک (۱۳۸۱). مدل علی همبستگی خانوادگی، استقلال عاطفی و سازگاری. *پایان نامه‌ی دکتری روان شناسی*. دانشگاه شیراز
- سامانی، سیامک و صادقی، لادن. (۱۳۸۹). بررسی کفایت روان‌سنجی پرسشنامه‌ی تنظیم شناختی هیجان. *مجله‌ی روش‌ها و مدل‌های روانشناختی*. صص ۶۲-۵۱
- سامانی، سیامک؛ خیر، محمد و صداقت، زینب (۱۳۸۹). سبک‌های والدگری در الگوهای مختلف خانواده در مدل فرایند و محتوای خانواده. *مجله‌ی خانواده پژوهی*. تهران. صص ۹۰-۷۱
- سپهری، صفورا و پاکدامن، شهلا (۱۳۸۹). الگوی ارتباطی خانواده و تعارضات فرزندان و والدین. *مجله‌ی روش‌ها و مدل‌های روانشناختی*. صص ۹۱-۷۵
- صادق‌زاده، مرضیه و سامانی، فاطمه (۱۳۸۹). پیش بینی استرس، اضطراب و افسردگی نوجوانان بر اساس دو بعد از مدل فرایند و محتوای خانواده. *مجله‌ی روش‌ها و مدل‌های روانشناختی*. شماره‌ی ۲ صص ۶۱-۷۳
- هنرپروران، نازنین (۱۳۸۶). *مبانی بهداشت روان*. چاپ اول. تهران: نشر بشری.
- Baker, S. R. (2004). Intrinsic, Extrinsic, and Amotivational Orientations: Their Role in University Adjustment, Stress, Well-Being, and Subsequent Academic Performance. *Current Psychology: Developmental*. 23. 3,189-202.
- Baron, R. M., & Kenny, D. A. (1986). The moderator-mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic and statistical considerations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51, 1173-1182.
- Chandola, A., Bhanot, S. (2008). Role of Parenting Style in Adjustment of High School Children. *Hum. Ecol.*, 24,1, 27-30
- Steinberg, L., Lamborn, S., Darling, N., Mounts, N. Y., & Dornbusch, S. (1994). Overtime changes in adjustment among adolescent from authoritative, authoritarian, indulgent, and neglectful families. *Child Development*, 65, 754-770.
- Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113, 487-496
- Eisenberg, N., & Spinrad, T. L. (2004). Emotion-related regulation: sharpening the definition. *Child Development*, 74, 334-339.
- Essau, C. A., Sasagawa, S., & Frike, p.j. (2006) psychometric properties of the Alabama parenting questionnaire. *Journal of child and family studies*, 15, 597-616.
- Frick, P. J. (1991). The Alabama parenting questionnaire. Birmingham, AL: University of Alabama. 15,5, 595-614
- Garnefski, nadia., Koopman, Hendrik., Kraaij, Vivian., ten cate, Rebecoa. (2009) Brief report: Cognitive emotion regulation strategies and psychological

- adjustment in adolescents with a chronic disease. *Journal of Adolescence*. 32,449-468.
- Garnefski, N., Kraaij, V. & Spinhoven, P. (2001). Negative life event, cognitive emotion regulation and emotional problems. *Personality and individual differences*. 30,420-440
- Garnefski, N., Kraaij, V. (2006). Relationship between cognitive emotion regulation strategies and Depressive symptoms: A comparative study of five specific samples. *Journal of Personality & Individual Differences*. 40,1659-1669.
- Goldsmith, H. H., & Davidson, R. J. (2004). Disambiguating the components of emotion regulation. *Child Development*, 75, 361-365.
- Gross, J.J. (Ed.). (2007). *The handbook of emotion regulation*. New York: Guilford. Comprehensive volume providing expert reviews of research on the neural bases, cognitive underpinnings, and behavioral consequences of various forms of emotion regulation.
- Graziano, P., Reavis, R., Keane, S., Calkins (2007). The role of emotion regulation and the student-teacher relationship in children's academic success. *Journal of School Psychology*. 1,3, 49-59.
- Henricson C. and Rucker D. (2000). Support for the parents of Adolescents: a review. *Journal Adoles*. 23, 763-783.
- Hill, N. E. (2001). Parenting and academic socialization as they relate to school readiness: The roles of ethnicity and family income. *Journal of Educational Psychology*, 93, 686-697.
- Kamla-Raj (2008). Role of Parenting Style in Adjustment of High School Children. Department of Child Development, N.D. *University of Agriculture & Technology, Kumarganj*, 24,1, 27-30.
- Kraaij, V. Garnefski, N., Jan deWilde, E., Dijkstra, A., Gebhardt, W., Maes, S and ter Doest, L. (2003). Negative Life Events and Depressive Symptoms in Late Adolescence: Bonding and Cognitive Coping as Vulnerability Factors?. *Journal of Youth and Adolescence*. 32, 3, 185-193
- Maccoby, E. E., & Martin, J. (1983). Socialization in the context of the family: Parent-child interaction. In E. M. Hetherington (Ed.), *Mussen manual of child psychology* (4th ed., Vol. 4, pp. 1-101). New York: Wiley.
- Morris, A. S., Silk, J. S., Steinberg, L., Sessa, F. M., Avenevoli, S., & Essex, M. J. (2002). Temperamental vulnerability and negative parenting as interacting of child adjustment. *Journal of Marriage and Family*, 64, 461-471.
- Morris, A. S., Silk, J. S., Steinberg, L., Myers, S. S., & Robinson, L. R. (2007). The role of the family context in the development of emotion regulation. *Social Development*, 16, 362-388.

- Patterson, G. R., Reid, J. B., & Dishion, T. J. (1992). *A social interactional approach: Antisocial boys*. (Vol.4), Castalia, Eugene, OR: Castalia
- Reed- victor,E (2003) individual differences & early school adjustment: teacher appraisals of young children with special needs. *Early Child Development & Care*,179, 59-79
- Ybrand, H (2008). the relation between self-concept and social functioning adolescence, 31, 1-16.

Archive of SID